

مدیریت امنیت پایدار در منطقه خلیج فارس مشارکت ناتو: سازنده یا مخرب؟

مصطفی دولتیاری^۱

چکیده: ارایه تعاریف جدید از مفاهیم امنیتی همچون امنیت دریایی، امنیت انرژی، مبارزه با تروریسم، حفظ محیط زیست، مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی، دفاع موشکی و... رویکردهای جدید نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای به این مقولات و به تبع آن ارایه تعاریف جدید از ماموریت‌ها و حوزه اقدام آن‌ها شرایطی را ایجاد کرده که کشورهای مناطق استراتژیک از جمله حوزه خلیج فارس باید در پی راهبرد و راهکارهای مناسب در این زمینه باشند. در چنین شرایطی، روابط امنیتی میان کشورهای منطقه و نوع نگاه آن‌ها به موضوعات فوق‌الذکر نیاز به باز تعریف دارد تا بتوان رویکردهای نوینی که پاسخ‌گوی نیازهای روز باشد را تبیین نمود.

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به عنوان یکی از بازیگران اصلی حوزه امنیت بین‌المللی با درک شرایط جدید، رویکرد صرف نظامی در مواجهه با بحث امنیت را کنار گذاشته و در قالب یک سازمان نظامی-سیاسی و امنیتی، حوزه اقدام و عملیات خود را به فراتر از مرزهای سنتی و از جمله به حوزه خلیج فارس گسترش داده است. این سازمان در راستای اهداف مشخص و بلندمدت خود در پی حضور نهادینه و ایفای نقش موثرتر در تحولات منطقه خلیج فارس بوده و در همین راستا از سال ۲۰۰۴ میلادی با تصویب طرحی موسوم به ابتکار همکاری استانبول (ICI) بستر لازم برای چنین حضوری را فراهم کرده است. این سازمان همچنین تلاش گسترده‌ای را در قالب دیپلماسی عمومی برای توجیه و قانع کردن کشورهای منطقه به پذیرش چنین رویکردی انجام داده و ضمن گسترش دامنه فعالیت‌های سخت افزاری در منطقه، مشوق کشورهای خلیج فارس برای تسهیل نمودن ورود ناتو به حوزه مدیریت امنیت منطقه می‌باشد.

۱. دکتر مصطفی دولتیاری، مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی dolatyari@ipis.ir

در این مقاله، ضمن تبیین فرایندهای نوین امنیتی، چگونگی حضور ناتو در منطقه و پیامدهای آن مورد بررسی قرار گرفته و به این سوال اصلی می‌پردازیم که آیا چنین روندی می‌تواند برای منطقه ثبات و امنیت واقعی و پایدار را به ارمغان بیاورد و آیا ورود و مشارکت ناتو در مدیریت امنیت منطقه در راستای منافع کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد؟

واژگان کلیدی: خلیج فارس، امنیت پایدار، ناتو، امنیت انرژی، امنیت‌سازی، شورای همکاری، تروریسم.

منطقه خلیج فارس با توجه به موقعیت ژئوپلتیک و استراتژیک خود همواره نقشی حیاتی در معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی جهان داشته و دامنه تاثیر تحولات و رویدادهای آن از سطح منطقه فراتر رفته و کل جامعه بین‌المللی را در اعصار مختلف متأثر ساخته است. با توجه به تغییرات مهم سال‌های اخیر در حوزه ساختار امنیت بین‌المللی و مجموعه تحولات در حوزه امنیت منطقه‌ای، بدون تردید اهمیت و میزان نقش آفرینی منطقه خلیج فارس در تامین امنیت جهانی در آینده افزایش خواهد یافت. اقتصاد جهانی به شدت به منابع انرژی خلیج فارس وابسته است و تردیدی نیست که تا دهه‌های آتی این وابستگی ادامه خواهد داشت.^(۱)

در این میان، روند ارایه تعاریف جدید از مفاهیم امنیتی همچون امنیت دریایی، امنیت انرژی، مبارزه با تروریسم، حفظ محیط زیست، مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی، دفاع موشکی و . . . و رویکردهای جدید نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای به این مقولات و ارایه تعاریف جدید از ماموریت‌ها و حوزه اقدام آن‌ها شرایطی را ایجاد کرده که مناطق استراتژیک در سراسر جهان از جمله حوزه خلیج فارس ناگزیر از مواجهه با شرایط نوین یاد شده بوده و باید در پی راهبرد و راهکارهای مناسب در این زمینه باشند. در چنین شرایطی، روابط امنیتی میان کشورهای منطقه و نوع نگاه آن‌ها به موضوعات فوق‌الذکر نیاز به باز تعریف دارد تا بتوان رویکردهای نوینی که پاسخگوی نیازهای روز باشد را تبیین نمود.

در همین زمینه، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به عنوان یکی از بازیگران اصلی حوزه امنیت بین‌المللی با درک شرایط جدید، رویکرد صرف نظامی در مواجهه با بحث امنیت را کنار گذاشته و در قالب یک سازمان نظامی - سیاسی - امنیتی، حوزه اقدام و گستره عملیات خود را به فراتر از مرزهای سنتی خود و از جمله به حوزه

خلیج فارس گسترش داده است. این سازمان در راستای اهداف مشخص و بلندمدت خود در پی حضور نهادینه و ایفای نقش موثرتر در تحولات منطقه خلیج فارس بوده و در همین راستا از سال ۲۰۰۴ میلادی با تصویب طرحی موسوم به ابتکار همکاری استانبول (ICI)^۱ بستر لازم برای چنین حضوری را فراهم کرده است. ناتو هرچند در ابتدا در خصوص میزان پذیرش و مشروعیت حضور خود در منطقه خلیج فارس اطمینان لازم را نداشت، اما همگام با سیر روند تحولات امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای، تلاش گسترده‌ای را (عمدتاً در قالب دیپلماسی عمومی) برای توجیه و قانع کردن کشورهای منطقه به پذیرش چنین رویکردی انجام داد و می‌توان گفت در حال حاضر شرایطی را ایجاد کرده که شاهد گسترش دامنه فعالیت‌های سخت افزاری این سازمان در منطقه و همچنین علاقمندی خاص برخی کشورهای حوزه خلیج فارس برای ورود نرم افزاری ناتو به حوزه مدیریت امنیت منطقه هستیم.

در این نوشتار، ضمن تبیین فرایندهای نوین مورد اشاره، چگونگی حضور ناتو در منطقه و پیامدهای آن را مورد بررسی قرار داده و تلاش می‌کنیم به این سوال اصلی پاسخ دهیم که آیا چنین روندی می‌تواند برای منطقه ثبات و امنیت واقعی و پایدار را به ارمغان بیاورد و آیا ورود و مشارکت ناتو در مدیریت امنیت منطقه در راستای منافع کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد؟

ابتکار همکاری استانبول: بستر حضور ناتو در منطقه

سران ناتو در سال ۲۰۰۴ میلادی در نشست استانبول، با تصویب ابتکار همکاری استانبول و دعوت از کشورهای علاقه‌مند در منطقه خاورمیانه بزرگ، به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس، هدف این ابتکار را تقویت روابط سودمند متقابل و کمک به بهبود وضعیت ثبات و امنیت در منطقه اعلام کردند.^(۲) این طرح که با تمرکز خاص بر همکاری‌های عملی در زمینه‌های دفاعی و امنیتی تعریف شد، مبارزه با تروریسم و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی را به عنوان اولویت‌های اساسی ابتکار اعلام کرد.

در سند مصوب نشست مذکور اعلام شد که به رغم تمرکز اولیه بر شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس، مسیر برای ورود کلیه کشورهای منطقه خاورمیانه

1. Istanbul Cooperation Initiative (ICI)

بزرگ باز خواهد بود. در این سند، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و حوزه‌های همکاری معرفی شده که هر یک از کشورهای یاد شده بر اساس نیازها و اولویت‌های خود می‌توانند انتخاب کرده و در آن حوزه با ناتو به همکاری بپردازند. این حوزه‌ها عبارتند از: اصلاحات دفاعی، بودجه بندی و برنامه‌ریزی، مناسبات نظامی- غیر نظامی، همکاری‌های نظامی با هدف بهبود قابلیت انطباق پذیری از طریق مشارکت در تمرین‌ها و برنامه‌های آموزشی خاص، مشارکت موردی در ماموریت‌های حمایت از صلح تحت فرماندهی ناتو، مبارزه با تروریسم از طریق تبادل اطلاعات و همکاری دریایی، کمک به تلاش‌های ناتو در مقابله با تهدید سلاح‌های کشتار جمعی، ارتقای همکاری در زمینه امنیت مرزی و همکاری در زمینه برنامه‌ریزی برای مقابله با حوادث اضطراری غیر نظامی.^(۳)

همانطور که در اسناد مصوب ابتکار همکاری استانبول نیز تصریح گردیده، این ابتکار در واقع در امتداد و مکمل طرح قبلی ناتو برای خاورمیانه یعنی "گفتگوی مدیترانه‌ای ناتو"^۱ می‌باشد. برنامه گفتگوی مدیترانه‌ای ناتو در سال ۱۹۹۴ میلادی و با هدف گسترش روابط ناتو با کشورهای خاورمیانه و حاشیه جنوبی دریای مدیترانه به تصویب رسید.^(۴) در حال حاضر کشورهای مصر، الجزایر، تونس، اردن، مراکش، موریتانی و رژیم صهیونیستی عضو این برنامه هستند. در همین جا لازم است ذکر شود که با توجه به واقعیت‌های سال‌های گذشته، یکی از هدف‌های اساسی ولی اعلام نشده برنامه گفتگوی مدیترانه‌ای و به دنبال آن ابتکار همکاری استانبول، زمینه سازی ورود و ادغام رژیم صهیونیستی در ترتیبات سیاسی و امنیتی منطقه و فراهم کردن زمینه کنار هم نشانیدن این رژیم با کشورهای اسلامی منطقه و حساسیت زدایی و اجرای برنامه‌های مشترک می‌باشد. این نکته‌ای است که توجه و تأمل بیشتر کشورهای منطقه خلیج فارس را می‌طلبد.

انگیزه و اهداف ناتو از حضور در منطقه خلیج فارس

ناتو در راستای سیاست‌های مدّون خود موضوع گسترش حضور و مداخلات خود در منطقه خلیج فارس را با جدیت خاصی و در قالب ابتکار همکاری استانبول به شکل رسمی پیگیری و اهداف اعلامی و غایی مختلفی را دنبال می‌کند. شفر دبیرکل

1. NATO's Mediterranean Dialogue

سابق ناتو در نخستین سفر به منطقه خلیج فارس در نوامبر ۲۰۰۵ طی سخنرانی در **قطر** سه دلیل عمده: 'فضای امنیتی نوین'، 'ناتوی جدید' و 'دینامیزم جدید در منطقه خلیج فارس' را برای چرایی و ضرورت همکاری ناتو و کشورهای حوزه خلیج فارس برشمرد.

شفر در تشریح دلایل سه گانه خود گفت: "نخستین دلیل همکاری میان طرفین، فضای امنیتی در حال تغییر فعلی است. در این فضا تهدیداتی که امروز با آن مواجه هستیم منحصر به یک کشور نبوده بلکه جهانی و مشترک هستند و هیچ کشوری از آن مصون نیست. تهدیداتی نظیر تروریسم، تسلیحات کشتار جمعی، قاچاق انسان، تسلیحات و مواد مخدر، دارای ماهیتی فراگیر بوده و کنترل آن‌ها آسان نیست.

دومین دلیل، تغییر ماهیت ناتو است. تمرکز تلاش‌های اعضای سازمان در طول دوران جنگ سرد جلوگیری از جنگ در اروپا بود؛ اما امروز با 'ناتوی متفاوتی' روبه‌رو هستیم، به گونه‌ای که این سازمان با هدف تأمین امنیت فراگیر و با اعتقاد به ضرورت مشارکت و همکاری با کشورهای غیر عضو و با توجه به تجارب سال‌های گذشته در موقعیتی است که می‌تواند کمک قابل توجهی به تأمین امنیت در اقصی نقاط جهان از جمله منطقه خلیج فارس نماید.

دلیل سوم، توجه ناتو به منطقه خلیج فارس، دینامیزم جدید آشکار شده در خود منطقه طی سال‌های اخیر است. از نظر سیاست خارجی، کشورهای منطقه به طور انفرادی و دسته جمعی در قالب شورای همکاری خلیج فارس به عنوان بازیگران مهم حوزه امنیت منطقه ظاهر شده‌اند"^(۵).

دبیرکل وقت ناتو در دومین سفر خود به منطقه در دسامبر ۲۰۰۶ طی سخنرانی در **کویت** ضمن تأکید بر "شاخصه مشارکت در برنامه‌های ناتو" برای آنچه "ارتقای امنیت در اقصی نقاط جهان" نامید، سعی در تشویق کشورهای منطقه به پیگیری این سیاست نمود و اظهار داشت: "در فضای کنونی تقویت همکاری ناتو و کشورهای حاشیه خلیج فارس امری منطقی و به هنگام می‌باشد. ما با تهدیدات مشترکی مواجه هستیم. تروریسم، اشاعه هسته‌ای و دولت‌های فروریخته^۱ در زمره این تهدیدات هستند. ما همگی دارای منافع استراتژیک حیاتی در ثبات عراق و کل

خاورمیانه هستیم. ما اعم از اینکه عرضه کننده یا مصرف کننده باشیم، دارای منافع مشترک در تأمین امنیت انرژی هستیم".^(۶)

در همین راستا، تحولی دیگر در صحنه بین‌الملل زمینه را برای علاقه‌مندی بیشتر ناتو به مشارکت و حضور در حوزه خلیج فارس افزون‌تر کرد. اقدام روسیه به استفاده سیاسی از ابزار انرژی در تنظیم روابط خود با غرب و همسایگان غرب‌گرای خود، مسأله 'امنیت انرژی' را با جدیت بیشتری وارد دستور کار ناتو کرد. سران ناتو در نشست نوامبر ۲۰۰۶ خود ضمن بررسی این موضوع با اذعان به این که منافع امنیتی ناتو می‌تواند با اختلال در جریان منابع حیاتی انرژی تحت تاثیر قرار گیرد، ضرورت شناسایی حوزه‌هایی که این سازمان می‌تواند در جهت تضمین علایق امنیتی اعضا ارزش افزوده داشته یا در صورت لزوم به تلاش‌های ملی و بین‌المللی کمک نماید را مورد تاکید قرار دادند.^(۷) به این ترتیب مسأله 'تضمین امنیت انرژی' به عنوان یکی از 'ماموریت‌های نوین ناتو' و با توجه به ویژگی منطقه خلیج فارس و جایگاه ممتاز آن در تأمین انرژی جهانی، یکی از وجوه اساسی دیگر توجه ناتو به این منطقه گردید.

انگیزه کشورهای منطقه در استقبال از حضور ناتو در منطقه خلیج فارس

با مروری بر آنچه که از سوی برخی مقامات کشورهای منطقه در رابطه با لزوم همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس با ناتو عنوان شده، به نظر می‌رسد به طور کلی نوع برداشت این کشورها از بی‌ثباتی سال‌های اخیر در منطقه از جمله چهار جنگ عمده در حوزه خلیج فارس و تحولات افغانستان (از حمله روس‌ها تا حمله آمریکا و حضور ناتو)، گسترش تروریسم و اهمیت یافتن بحث تأمین امنیت انرژی و امنیت دریایی و همچنین نقش منطقه‌ای ایران، شرایطی را فراهم کرده که برخی رهبران منطقه خود را نیازمند اتکاء به منبع تأمین امنیت در ورای منطقه دیده و در این میان ناتو را مرجعی تصور کنند که کمک و همکاری آن تأمین‌کننده هدف مورد اشاره خواهد بود.

در همین راستا عبدالرحمن العطیه، دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس، در نشست مشترک ناتو و شورای همکاری خلیج فارس در **کویت** در دسامبر ۲۰۰۶ اظهار داشت: گفتگوی سیاسی و همکاری کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و ناتو

می‌تواند چارچوب مناسب و نقطه تحرکی برای حفظ امنیت و ثبات در این منطقه مهم و حساس باشد. وی همچنین بر لزوم در نظر گرفتن درک دو طرف در خصوص مقوله تهدیدهای احتمالی و بازگرداندن موازنه استراتژیک در منطقه خلیج فارس که به دنبال جنگ‌های پیاپی آسیب فراوانی به آن وارد آمده تاکید کرد.^(۸)

در همین زمینه، موضوع فلسطین و عدم حل و فصل این معضل دیرپای جهان اسلام به دلیل عدم پایبندی رژیم صهیونیستی به موازین قانونی و طرح‌های ارایه شده بین‌المللی عامل دیگری در پیگیری تعامل میان کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و ناتو بوده است. برخی کشورهای منطقه خلیج فارس شاید این تصور را دارند که می‌توانند از بستر ناتو برای اعمال فشار به اسرائیل جهت کنار گذاشتن سیاست‌های قانون‌شکنانه و تجاوزکارانه خود بهره برداری نمایند و یا حتی فراتر از آن در زمان وقوع بحران احتمالی بتوانند به توانمندی ناتو در حوزه امنیتی و نظامی امیدوار باشند. البته حسب تجربیات تاریخی، واقع‌گرایانه و هوشمندانه بودن این نگاه جای تأمل جدی دارد.

اهم تحولات اخیر در روابط میان حوزه خلیج فارس و ناتو

روابط ناتو و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس طی سال‌های گذشته گسترش قابل توجهی یافته است. دیدارهای متقابل مقامات ارشد کشورهای مذکور و ناتو و برگزاری سمینارهای متعدد در منطقه و خارج از آن گویای این تحرک جدی و آشکار است. برخی از این تحولات را می‌توان مورد اشاره قرار داد:

- **تصویب** ابتکار همکاری استانبول در ژوئن ۲۰۰۴ و ورود **کویت** و **قطر** و **بحرین** و **امارات** به این ابتکار در سال ۲۰۰۵
- برگزاری کنفرانس "ارتقای همکاری و تقویت مناسبات ناتو و خلیج فارس در چارچوب ابتکار همکاری استانبول" در **دبی** در سال ۲۰۰۵^(۹)
- برگزاری کنفرانس "ناتو و امنیت خلیج فارس" در **قطر** در سال ۲۰۰۵ میلادی و سخنرانی دبیرکل ناتو^(۱۰)
- اولین دیدار امیر **قطر** با دبیرکل ناتو در بروکسل نوامبر ۲۰۰۶^(۱۱)

- برگزاری کنفرانس "ناتو و کشورهای خلیج فارس: مقابله با چالش‌های مشترک از طریق ابتکار همکاری استانبول" در **کویت** در دسامبر ۲۰۰۶ میلادی و امضای موافقتنامه تبادل اطلاعات امنیتی بین ناتو و کویت^(۱۲)
- برگزاری کنفرانس "ناتو و شورای همکاری خلیج فارس: همکاری در چارچوب ابتکار همکاری استانبول" در **ریاض** عربستان در سال ۲۰۰۷^(۱۳)
- برگزاری کنفرانس روابط ناتو و **بحرین** و ابتکار همکاری استانبول در منامه در سال ۲۰۰۸^(۱۴)
- برگزاری کنفرانس "روابط ناتو و امارات: راه پیش رو در خصوص ابتکار همکاری استانبول" در اکتبر ۲۰۰۹ و امضای موافقتنامه تبادل اطلاعات امنیتی بین ناتو و **امارات**^(۱۵)

انگاره های نادرست امنیت سازی در منطقه خلیج فارس

مسأله امنیت در خلیج فارس همواره یکی از مهمترین مسایل و دغدغه‌های بازیگران این منطقه بوده و دولت‌های این حوزه جغرافیایی تلاش گسترده‌ای را برای عبور از چالش‌های موجود انجام می‌دهند. اما به نظر می‌رسد در انتخاب شیوه مقابله و مواجهه با چالش‌های یاد شده به گونه‌ای عمل کرده و می‌کنند که به ناچار باید همچنان شاهد تداوم معمای امنیتی در منطقه خلیج فارس باشیم. برخی کشورهای این حوزه به جای روی آوردن واقع‌گرایانه به راهکارهای بومی همگرا برای تبیین سازوکارهای مؤثر و مفید امنیت منطقه‌ای، عمده تلاش‌های خود در سال‌های اخیر را در دو حوزه 'خریدهای تسلیحاتی کلان' و 'ساماندهی' همکاری امنیتی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای' متمرکز کرده‌اند.

به نظر می‌رسد رهبران سیاسی برخی کشورهای حوزه خلیج فارس همچنان به بحث امنیت سازی در منطقه به شیوه دوران جنگ سرد نگاه می‌کنند و در همین راستا به گونه‌ای خود را در قالب‌های سنتی درگیر کرده‌اند. لذا برای پویایی و تحرک استراتژیک در این زمینه با مشکلات جدی روبه‌رو می‌باشند.

بدیهی است که این رویکرد با واقعیت‌های محیط نوین امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای مطابقت ندارد. عدم شناخت یا بی‌توجهی طراحان رفتار استراتژیک این

کشورها نسبت به ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی محیط امنیتی، بی توجهی به پویایی محیطی و تنوع در رفتار بازیگران و نیز غفلت از درک روندهای نوین امنیت سازی منطقه‌ای و بین‌المللی عدم دستیابی به یک ساختار منسجم امنیت منطقه‌ای را باعث شده است.

در واقع، توجه برخی کشورهای این منطقه به اتحادهای امنیتی در بیرون از مرزهای جغرافیایی، امنیت سازی بومی در این منطقه را با موانع جدی روبه‌رو کرده و مانع از برنامه‌ریزی مؤثر برای استقرار نهادهای امنیتی قوی بومی و انسجام سیاسی در منطقه شده است.

زمانی که انسجام سیاسی کشورها در سطح داخلی و منطقه‌ای ضعیف باشد و از سوی دیگر نهادهای مؤثر و سازمان یافته‌ای برای تنظیم روابط استراتژیک ایجاد نگردد، آسان‌ترین گزینه این است که امنیت سازی را خارج از مرزهای جغرافیایی منطقه جستجو کنند. بدیهی است آسان‌ترین گزینه معمولاً بهترین گزینه نیست.

زمینه‌سازی برای حضور بیگانگان از جمله ناتو، فضای امنیتی منطقه را تحت تاثیر قرار داده و با اختلال در روند امنیت سازی در چارچوب شاخص‌های صحیح منطقه‌ای، شرایطی را فراهم می‌سازد که کلیه کشورهای این منطقه در رسیدن به هدف نهایی که همانا امنیت و ثبات در منطقه است ناکام بمانند.

در چنین شرایطی حضور بلندمدت بیگانگان در منطقه امری اجتناب ناپذیر می‌نماید و تنظیم شرایطی که بتوان ساختارهای منطقی را در منطقه شکل داد با مشکلات جدی روبه‌رو می‌گردد.

کشورهای حوزه خلیج فارس باید این نکته اساسی را مد نظر داشته باشند که وجود ذهنیت مبتنی بر امنیت نظامی و بازدارندگی منطقه‌ای با اتکال بر عوامل فرمانطقه‌ای، علاوه بر این که نظامی‌گری در منطقه را گسترش می‌دهد، زمینه و انگیزه‌های بیشتری برای قدرت‌های فرمانطقه‌ای جهت پیگیری روند مداخله‌گری در امور داخلی و سیاست خارجی کشورهای حوزه را فراهم می‌سازد.

علاوه بر این، چنین نگاه و رویکردی مانع از رشد و بلوغ کشورهای منطقه در امور امنیتی شده و باعث خواهد شد تا این منطقه در روند فعلی و پرشتاب رشد و حرکت سایر حوزه‌ها به سمت امنیت سازی، از قافله عقب بماند.^(۱۶)

الگوهای پیشنهادی

باتوجه به مجموعه مطالب مطرح شده و قبل از ارایه راهکارهای پیشنهادی برای شکل‌گیری 'سامانه امنیت پایدار منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس'، توجه به برخی واقعیات ذیل ضروری است:

- برای تنظیم روابط امنیتی میان کشورهای حوزه خلیج فارس و مقابله با تهدیدها و چالش‌های نوین امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای به یک سامانه امنیتی کارآمد نیاز است. فارغ از هرگونه برداشت و ادراکی از سوی کشورهای این حوزه، تعامل و همکاری آن‌ها در چارچوب یک نظم امنیتی بیش از آنکه تابع اراده و خواست آن‌ها باشد، برخاسته از یک ضرورت و نیاز مشترک خواهد بود. کشورهای این منطقه در یک سامانه امنیتی به هم پیوسته و به عنوان یک مجموعه، متاثر از وابستگی متقابل امنیتی میان همدیگر به سر می‌برند. این امر بیش از هر چیز بیانگر این مسئله است که تنها راه مقابله با تهدیدها و چالش‌های موجود و نیز تأمین امنیت و حفظ ثبات در منطقه، استفاده از سازوکاری است که در آن تمامی اعضاء مشارکتی همه جانبه داشته باشند.

- موفقیت یک سامانه جامع و مؤثر امنیت منطقه‌ای در گرو به رسمیت شناختن منافع مشروع تمام بازیگران درگیر از سوی همدیگر خواهد بود.

- هدف اصلی در شکل‌دهی یک نظم امنیتی منطقه‌ای، تعامل در مورد مسایل مشترک تمامی طرف‌ها است و برآیند تلاش‌ها باید به گونه‌ای باشد که اعضاء در زمینه درک خود از تهدیدها و فرصت‌های موجود با هدف نیل به منافع بیشتر به اجماع و توافق برسند.

- در حال حاضر در منطقه خلیج فارس تهدیدها و چالش‌های بسیاری وجود دارند که باعث نگرانی‌های عمده و مشترک کشورهای منطقه بوده و نیز به عنوان عوامل بی‌ثبات‌کننده امنیت در منطقه، مانعی در روند شکل‌گیری هر گونه نظم امنیتی جدید می‌باشند. تهدیدهای فراملی و منازعات میان دولتی، افراط‌گرایی، گروه‌های تروریستی، جنایات سازمان‌یافته، پولشویی، تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، بلایای زیست‌محیطی مانند بحران آب و بیابان‌زایی و . . . از جمله این عوامل محسوب می‌گردند.

بر این اساس، تأمین امنیت پایدار در منطقه خلیج فارس در صورت رعایت الزامات و عملیاتی کردن الگوهای ذیل میسر خواهد بود:

۱. رویکرد همه جانبه به مقوله امنیت

ماهیت چالش‌های موجود در منطقه به گونه‌ای است که توجه صرف به ابزارها و راهکارهای نظامی و سخت افزاری، نه یک راه حل، بلکه خود بخشی از مشکل خواهد بود. برخورد با نگرانی‌های امنیتی مشترک مانند تروریسم، تنش‌های قومی، جنایات سازمان یافته، بحران‌های زیست محیطی و . . . مستلزم اتخاذ رویکردی جامع و برنامه‌ریزی کلان فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و توسعه‌ای است و حضور نظامی بیگانگان در منطقه، استقرار پایگاه‌های نظامی و خریدهای تسلیحاتی کلان و روش‌های مشابه پاسخگوی نیازها نخواهد بود. تجربه تاریخی این منطقه گواه خوبی برای اثبات این ادعاست.

۲. بومی سازی امنیت

بهترین راه تأمین امنیت در هر منطقه ایجاد و تقویت سازوکارهای بومی در آن منطقه بوده و هرگونه مداخله فرامنطقه‌ای و تلاش برای ایجاد رقابت و تشدید خصومت بین کشورهای همسایه مشکل را حل نخواهد کرد. البته این سازوکارهای منطقه‌ای باید بر اساس احساس مسئولیت، همکاری و اعتماد متقابل بین کشورهای منطقه و در چارچوب موازین بین‌المللی شکل گیرد. هرگونه برتری جویی اعضای نه تنها کارآمدی سامانه‌های امنیتی منطقه‌ای را تضعیف می‌کند، بلکه خود دستاویزی برای ورود عوامل خارجی می‌باشد. باید پذیرفت که کشورهای منطقه از ظرفیت لازم و مناسب برای تشخیص منافع و شکل دهی سامانه امنیت منطقه‌ای برخوردار هستند.

۳. پرهیز از پذیرش الگوهای امنیتی وارداتی

یکی از وجوه بارز جهانی شدن، برخلاف انتظار برخی کشورها که در صدد حذف فرهنگ‌ها و هویت‌ها و یکسان سازی فرهنگی با تحمیل ارزش‌های مد نظر خود در جهان هستند، نوزایی و تقویت هرچه بیشتر هویت‌ها و فرهنگ‌های ملی و منطقه‌ای است. همزیستی مسالمت آمیز در دنیای امروز در گرو همکاری و تعامل بین فرهنگ‌ها و

ادیان و هویت‌ها و استخراج اصول قابل پذیرش همگان، در عین پذیرش و احترام به تفاوت‌هاست. هر نوع دستکاری در مهندسی اجتماعی منطقه و تحمیل و تعمیم الگوهای ناهمخوان از خارج از منطقه باعث به هم خوردن ثبات و امنیت شده و آثار سوء و غیرقابل پیش بینی در پی خواهد داشت. احترام به فرهنگ، آیین و ارزش‌های دیگران ضرورت همزیستی و پایه درک متقابل است و اصرار بر پذیرش و ورود الگوهای خاص وارداتی در این زمینه امری ناصواب و نافرجام خواهد بود.

۴. توجه به منافع، دغدغه‌ها و نقش و جایگاه بازیگران

تجربه نشان داده تداوم ثبات و امنیت در هر نظام منطقه‌ای و بین‌المللی منوط به درک منافع، دغدغه‌ها و حضور و مشارکت تمامی اعضاء و مسئولیت پذیری و ایفای نقش بایسته از سوی تمامی آنهاست.

راهکارهای پیشنهادی

در راستای الگوهای یاد شده مهمترین راهکارهای پیشنهادی عبارتند از:

الف) تاکید بر مشترکات دینی و فرهنگی: باتوجه به شرایط خاص منطقه خلیج فارس از نظر مشترکات دینی و فرهنگی، تاکید بر این مقوله می‌تواند یکی از زمینه‌های اصلی تقویت، تفاهم و اعتماد سازی میان کشورهای منطقه باشد. هرگونه تفاهم در مسایل فرهنگی و مراودات بین کشورهای منطقه می‌تواند زمینه ساز همکاری‌های بیشتر در حوزه سیاسی بوده و به نوعی مقدمه‌ای برای تسهیل شکل‌گیری سازوکارهای امنیتی منطقه‌ای باشد.

ب) تعریف سازوکارهای تأمین امنیت انرژی در سطح منطقه و جهان: با توجه به نیاز و وابستگی فزاینده اقتصاد جهانی به انرژی، تضمین امنیت استخراج، عرضه و انتقال انرژی یکی از دغدغه‌های اساسی برای تولید کنندگان و مصرف کنندگان انرژی در سطح جهان و منطقه است. بر همین اساس، تلاش برای تعریف سازوکارهای مربوط به این مسأله می‌تواند بخش دیگری از روند شکل‌گیری نظام امنیت منطقه‌ای باشد. بدیهی است در صورت توافق کلی در این زمینه، جزئیات امر در سطوح مختلف قابل بررسی کارشناسی و جمع‌بندی مشترک خواهد بود.

ج) **گسترش همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی:** همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی، به عنوان زیربنا و بستر مناسب برای همکاری‌های امنیتی می‌تواند مورد توجه کشورهای منطقه قرار گیرد. اتخاذ سیاست‌های نفتی و گازی مشترک، همکاری در سرمایه‌گذاری‌های مشترک در بخش صنایع مادر، ایجاد مناطق آزاد تجاری و... که در نهایت می‌توانند منجر به گسترش همکاری‌های اقتصادی چندجانبه و تقویت سازوکارهای اقتصادی شوند در این راستا می‌تواند راهگشا باشد.

د) **اطمینان به مشارکت منصفانه در نظام تصمیم‌گیری:** مجموعه طراحی‌ها و تلاش‌ها باید به گونه‌ای باشد که زمینه نگرانی در خصوص سوء استفاده از سازوکارهای امنیت منطقه‌ای به نفع یک یا گروهی از اعضا از بین برود. بر همین اساس، تصمیم‌سازی‌ها در قالب این سازوکار باید منصفانه بوده و کلیه کشورهای منطقه اعم از بزرگ و کوچک در روند تصمیم‌سازی منطقه‌ای مشارکت داشته باشند.

ه) **تلاش در حل اختلافات میان کشورهای منطقه:** یکی از روش‌های مناسب برای اعتمادسازی در منطقه، تاکید بر مذاکرات دیپلماتیک و تلاش برای حل و فصل منازعات و تنش‌های منطقه‌ای از طرق مسالمت آمیز است. در همین زمینه، کشورهای منطقه می‌توانند با همکاری و تشریک مساعی میان یکدیگر بسترهای لازم برای رسیدن به چنین هدفی را فراهم و تثبیت نمایند.

و) **همکاری‌های اطلاعاتی در منطقه:** نیاز به مبارزه مؤثر با عوامل و پدیده‌هایی که امنیت ملی کشورهای منطقه را به چالش کشیده (مانند افراط‌گرایی و تروریسم) یا آثار و تبعات فعالیت‌های آن‌ها ابعاد ضد امنیتی فرامنطقه‌ای دارد (مانند جنایات سازمان یافته تروریستی، قاچاق مواد مخدر و انسان، پولشویی و...) همکاری‌های اطلاعاتی و ایجاد شبکه‌های امنیتی بین کشورهای منطقه را به ضرورتی غیر قابل انکار مبدل نموده است.

در مواجهه با پدیده‌هایی مانند دزدی دریایی همکاری نظامی از جمله برگزاری مانورهای مشترک دو و چندجانبه میان کشورهای منطقه با رویکردهای تدافعی و ترغیب تمامی کشورهای منطقه برای شرکت در آنها در همین راستا ارزیابی می‌شود.

جمع بندی

در چارچوب فرایند تحولات چشمگیر حوزه امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای، منطقه خلیج فارس با توجه به موقعیت ژئوپلتیک و استراتژیک خود، اهمیت روز افزونی یافته و افزایش میزان نقش آفرینی این منطقه در آینده قابل پیش بینی است. کشورهای این حوزه همانند سایر مناطق دنیا ناگزیر از مواجهه با شرایط نوین بوده و باید در پی راهبرد و راهکارهای مناسب در این زمینه باشند. در چنین شرایطی و با توجه به ضرورت شکل‌گیری سازوکارهای نوین امنیت منطقه‌ای و تلاش کشورهای منطقه برای پاسخگویی به این چالش، شاهد تلاش گسترده بازیگران فرامنطقه‌ای برای زمینه سازی جهت حضور و تاثیرگذاری بر روند شکل‌گیری سامانه امنیت منطقه‌ای در راستای اهداف مورد نظر این بازیگران هستیم. بررسی انجام شده در این نوشتار نشان می‌دهد ورود و مشارکت بازیگران فرامنطقه‌ای از جمله ناتو در مدیریت امنیت منطقه در راستای منافع کشورهای حوزه خلیج فارس قرار نداشته و راهکار مناسبی برای پاسخگویی به نیازهای منطقه نخواهد بود. مسأله ضرورت شکل‌گیری سامانه کارآمد امنیتی در منطقه خلیج فارس به درستی دغدغه عمده بازیگران این منطقه بوده و تلاش دولت‌های منطقه برای عبور از چالش‌های موجود امری طبیعی و قابل تقدیر است. اما شیوه‌های فعلی مقابله و مواجهه با چالش‌های یاد شده جوابگوی نیازها نبوده و در صورت عدم تجدید نظر اساسی در رویکردها باید همچنان شاهد تداوم مشکلات مربوط به امنیت منطقه باشیم. برخی کشورهای این حوزه به جای روی آوردن به راهکارهای منطقی و واقع‌گرایانه برای تبیین سازوکارهای مؤثر و مفید امنیت منطقه‌ای، عمده تلاش‌های خود را به حوزه‌هایی چون خریدهای تسلیحاتی کلان و شکل‌دهی همکاری امنیتی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای در سال‌های اخیر متمرکز کرده‌اند که این امر نه تنها مشکلات منطقه را حل نکرده بلکه بر پیچیدگی و گسترش آن نیز افزوده است. زمینه سازی برای حضور بیگانگان از جمله ناتو فضای امنیتی منطقه را تحت تاثیر قرار داده و شرایطی را فراهم می‌سازد که کلیه کشورهای این حوزه در رسیدن به هدف نهایی که همانا امنیت و ثبات در منطقه است ناکام بمانند. آنچه مشخص است رهبران سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس باید با درک و تحلیل صحیح شرایط و واقعیت‌های محیط نوین امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز شناخت و توجه خاص به ویژگی‌های اجتماعی-

فرهنگی محیط امنیتی، پویایی محیطی و رفتار بازیگران منطقه، زمینه دستیابی به یک ساختار منسجم امنیت منطقه‌ای را فراهم کنند. کشورهای این منطقه باید در همین چارچوب بومی سازی امنیت را به عنوان راهبرد مؤثر در شکل دهی نظام کارآمد امنیت منطقه در دستور کار قرار داده و برنامه ریزی مؤثر برای استقرار نهادهای امنیتی قوی بومی و انسجام سیاسی در این حوزه را با جدیت پیگیری کنند. بر همین اساس، تأمین امنیت در منطقه خلیج فارس در صورت رعایت الزامات و عملیاتی کردن الگوهای چون رویکرد همه جانبه به مقوله امنیت، بومی سازی امنیت، پرهیز از پذیرش الگوهای امنیتی وارداتی ناهمخوان با مقتضیات منطقه و توجه به منافع، دغدغه‌ها و نقش و جایگاه بازیگران میسر خواهد شد. در راستای الگوهای یاد شده، راهکارهایی چون تأکید بر مشترکات دینی و فرهنگی، تعریف سازوکارهای تأمین امنیت انرژی در سطح جهان، گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری، اطمینان به مشارکت منصفانه در نظام تصمیم‌گیری، تلاش در حل اختلافات میان کشورهای منطقه و همکاری‌های اطلاعاتی در منطقه می‌تواند مؤثر و مفید باشد.

یادداشت‌ها

1. Ruprecht Polenz, NATO and Persian Gulf Security, November 2005, <http://nato-pa.int/Default.asp>
2. <http://www.nato.int/ici>
3. NATO Handbook, 2004, Public Diplomacy Division, NATO, Brussels, pp 229-235
4. Nicola De Santis, Opening to the Mediterranean and broader Middle East, <http://www.nato.int/docu/review/2004/issue3/english/art4.html>
5. "NATO's role in Gulf security", Speech by NATO Secretary General Jaap de Hoop Scheffer at the State of Qatar / NATO / Rand conference, December 2005.
6. Speech by NATO Secretary General, Jaap de Hoop Scheffer at the NATO-Kuwait Public Diplomacy Conference, <http://www.nato.int/docu/speech/2006/s061212a.htm>.
7. Riga Summit Declaration , Issued by the Heads of State and Government participating in the meeting of the North Atlantic Council in Riga 29 November 2006, <http://www.nato.int/docu/pr/2006/p06-150e.htm>.
۸. خبر خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۸۵/۹/۲۲
9. http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_21466.htm.
10. Qatar conference discusses NATO cooperation with Broader Middle East, <http://www.nato.int/docu/update/2005/12-december/e1201a.htm>.

11. Qatar's Emir pays first visit to NATO,
http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_22085.htm.
 12. NATO – Kuwait conference on cooperation with Gulf countries,
http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_22060.htm.
 13. NATO-Saudi Arabia Conference in Riyadh,
http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_7330.htm.
 14. NATO-Bahrain Public Diplomacy Conference in Manama, Bahrain,
<http://www.nato.int/docu/update/2008/04-april/e0424a.html>.
 15. NATO-UAE Relations and the Way Forward in the Istanbul Cooperation Initiative, http://www.nato.int/cps/en/natolive/events_58545.htm.
۱۶. احمد فراهانی، خلیج فارس و انگاره های امنیت سازی منطقه ای یا فرمانطقه ای،
خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵/۱۰/۲۰.

منابع

- NATO Handbook 2004, Public Diplomacy Division, NATO, Brussels.
- NATO Live News, <http://www.nato.int/cps/en/natolive/news>
- NATO-Bahrain Public Diplomacy Conference in Manama, Bahrain,
<http://www.nato.int/docu/update/2008/04-april/e0424a.html>
- NATO-Kuwait Conference on Cooperation with [P] Gulf countries,
http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_22060.htm
- NATO-Saudi Arabia Conference in Riyadh,
http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_7330.htm
- NATO-UAE Relations and the Way Forward in the Istanbul Cooperation Initiative, http://www.nato.int/cps/en/natolive/events_58545.htm
- Nicola De Santis, Opening to the Mediterranean and broader Middle East
<http://www.nato.int/docu/review/2004/issue3/english/art4.html>
- Qatar Conference Discusses NATO Cooperation with Broader Middle East
<http://www.nato.int/docu/update/2005/12-december/e1201a.htm>
- Riga Summit Declaration, 29 November 2006,
<http://www.nato.int/docu/pr/2006/p06-150e.htm>
- Ruprecht Polenz, Nato and Persian Gulf Security, November 2005,
<http://nato-pa.int/Default.asp>
- Speech by NATO Secretary General, Jaap de Hoop Scheffer at the NATO-Kuwait Public Diplomacy Conference
<http://www.nato.int/docu/speech/2006/s061212a.htm>